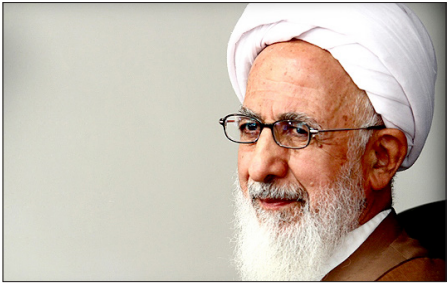


عقل وسیله‌ای است برای فرشته شدن

مراسم افتتاح کتاب خاتم تهران برگزار شد. آیت‌الله جوادی آملی در پیام خود به این مراسم اذعان داشت: «کتابت و علم زمینه‌ای است برای عقل و عقل وسیله‌ای است برای فرشته شدن. جامعه فرشته نه به بیراهه می‌رود و نه راه کسی را می‌بندد. وقتی قرآن ما در کنار شمس و قمر به علم و کتاب و قلم سگوند می‌خورد یعنی قلم باید مثل قمر نور بدهد و کتاب مثل شمع فروغ داشته باشد.»



کتابخانه

کتاب «جامعه‌شناسی خودمانی و شرق‌شناسی» منتشر شد شرق‌شناسی یک شرقی

کتاب «جامعه‌شناسی خودمانی و شرق‌شناسی» با عنوان فرعی تحلیل گفتمان آثار حسن نزاقی با الگوی تبارشناسی ادوارد سعید نوشته آرمنیر توسط انتشارات پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات منتشر شد.

این کتاب از شش فصل تشکیل شده و در ۲۴۵ صفحه به چاپ رسیده است. فصول این کتاب به شرح زیر است: فصل اول منش ملی، فصل دوم روش پژوهش، فصل سوم چارچوب مفهومی، فصل چهارم تحلیل یافته‌ها، فصل پنجم نزاقی و جامعه‌شناسی و در نهایت فصل ششم به پیوست جداول خام یافته‌های هر متن به تفکیک مقولات ادوارد سعید اختصاص داده شده است.

در فصل اول کتاب در معرفی منش ایرانی نویسنده می‌نویسد: «طبیعتا ایرانیان همچون

ملت‌ها و گروه‌های دیگر از دیرباز به ویژگی‌های خویش اندیشیده‌اند و نمونه‌های زیادی می‌توان در تاریخ سراغ کرد؛ اما نقطه عطف این تلاش‌ها اوایل دهه ۱۳۴۰ و با انتشار دو کار تأثیرگذار بود؛ اولی کتاب خلیقات ما ایرانیان اثر محمدعلی جمال‌زاده و دومی سازگاری ایرانی نوشته مهدی بازگان.

وجه مشترک هر دو نوشته نسبت دادن برخی صفات مثبت و منفی به ساکنان ایران زمین و قائل شدن به سهمی برای خلیقات منفی در توسعه نیافتن ایران است.

جمال‌زاده نگاهی آسیب‌شناختی به خلیقات ایرانیان دارد و تعبیر راه یافتن فساد را به کار می‌برد و معتقد است که فساد مانع سعادت و ترقی است و قسمتی از امور ما نیز به فساد آلوده است.»

در ادامه هم آمده است: «بازرگان به تاسی از زیگفرد، سیستم معاش و طریقه ارتزاق را مهم‌ترین عامل تربیتی و سازنده خصال و روح شخص یا ملت می‌داند و بر این اساس؛ صفات بردباری، شلختگی، وارهایی، نوسان زیاد، زمین‌گیری و تک‌زیستی را به زندگی و شخصیت ایرانی نسبت می‌دهد.»

در پشت جلد این کتاب آمده است: «حسن نزاقی را همه با کتاب جامعه‌شناسی خودمانی می‌شناسند؛ کتابی که مجموع چاپ‌های مجاز و غیرمجازش، در این و آنفلسای کتاب‌خوانی ما، به عدد ۵۰ می‌رسد. حتما حقیقتی در این کتاب هست که تا این حد مخاطب جذب کرده است. بله، هست. اما چه حقیقتی؟ حقیقتی که از آن یاد می‌کنیم، در محتوای کتاب نیست. آنچه نزاقی درباره ایرانیان می‌گوید نه جامعه‌شناسی است و نه معتبر است. حقیقت می‌زند که در ۵۰ سال گذشته توانسته حاکمیت خود را بر ذهن‌ها و قلم‌ها اعمال کند؛ به‌طوری که حرف‌هایش خریدار دارد. همین گفتمان است که حاکمیت خود را با جمال‌زاده تثبیت کرد و در نزاقی و سریع‌القلم به اوج مخاطب رساند. این گفتمان را برخی خودزنی نامیده‌اند اما من ترجیح می‌دهم با تکیه بر ادبیات دانش پسااستعماری امروز، آن را گفتمان خودشرق‌شناسی بدانم.»

نویسنده درباره ضرورت مطالعه منش ایرانی در صفحه ۲۲ کتاب می‌نویسد: «خلاصه اینکه به‌رغم دشواری و فریبندگی مفهوم منش ملی، مطالعه در آن نه تنها قابل دفاع بلکه لازم است. بنابراین باید با مشکلات روش‌شناختی و نظری آن مواجه شد. به گفته رومانی آنچه سنت روشنفکری و آکادمیک می‌تواند انجام دهد این است که از یک طرف تعاملات واقعیت و ایده‌ها را درباره منش ملی بیان کند و مشروعیت این تعامل را به بحث بگذارد و از طرف دیگر دشواری‌ها، دام‌ها و موانع راه را نشان دهد.»

یادداشت، اخبار و گزارش‌هایی از تازه‌های اندیشه، تاریخ و فلسفه

گفت‌وگو برای امام صدر «فرهنگ» است نه «روش»

عبدالله نصری: بسیاری از اندیشمندان و افراد دیگر گفت‌وگو را به‌عنوان روش در نظر می‌گیرند، اما در نظام معرفت‌شناسی امام موسی صدر مقوله گفت‌وگو نه «روش» که «فرهنگ» است. وقتی گفت‌وگو به صورت فرهنگ در می‌آید، نشان‌دهنده آن است که در وجود شخص نهادهی شده و تمام ابعاد و ساحت وجود را دربر می‌گیرد و این گونه نیست که شخص، زمانی اهل گفت‌وگو باشد و زمانی نباشد. بر مبنای آیتانی از سوره مبارکه مائده و آل عمران امام‌موسوی صدر جملات مهمی را به این شرح بیان کرده‌اند: «گفت‌وگو به‌منظور رسیدن به راه‌حلی برای برطرف کردن مشکلات است و بر این اساس گفت‌وگو در اسلام برای رسیدن به صلح است.» امام صدر در اینجا هدف گفت‌وگو و ضرورت آن را بیان می‌کند. بر این اساس است که شاهد هستیم در سیر و سلوک عملی امام نیز گفت‌وگو در مقام عمل تحقق پیدا می‌کند.»



متوسل به شعر به جای ارائه برهان

یکی از اشکالات دیرینه دکتر سروش در روی آوردن به مغالطه و سفسطه و شعر و خطابه در برابر روایات متواتر و یقینی و برهان متین بوده است. دکتر سروش مدعی شده است که منصوب بودن امام یا انتخاب امام توسط مردم مربوط به ۱۴ قرن گذشته است و هیچ مشکلی از انسان مدرن را حل نمی‌کند. در نقد این سخن باید گفت که اگر اعتقادی به نصب امام از جانب خداوند نداشته باشیم ضرورتا عصمت آنان را هم منکر شده ایم و با انکار عصمت هیچ یک از روایات اهل بیت(ع) قابل استناد نیست و اصولا مکتب شیعه از نظر فقهی و اعتقادی شکل نمی‌گیرد. حال با این مقدمات فردی که به مکتب اهل بیت (ع) اعتقادی ندارد و آن را برای عصر مدرن جوابگو نمی‌داند نمی‌تواند نسخه‌ای از حکومت بر اساس شریعت و دین ارائه کند و این سخنان دکتر سروش در حقیقت نفی خودش است و متضمن تناقض در ادعا و استدلال است.

رهیافتی بر ورود و حیات لیبرالیسم در ایران

فرزندان هایک در ایران

همین پوست‌اندازی بود. شاه چکمه‌پوش راهی جز التزام به قوانین رونوشت‌شده از دستان لیبرال‌های انگلیسی نداشت. او خویش را با تاج می‌دید و تاج را در دستان حضرات اروپایی اما اوج این لیبرال مسلکی در دوران پهلوی دوم رخ داد. دیگر شاه تحصیلکرده در اروپا و مسخ‌شده از تجدد، بدون آنکه ظرفیت‌های عرفی و دینی مردمش را بشناسد، دست به ایجاد آزادی‌هایی فراتر از حد جامعه زد. اما استبداد، ارمانگ لیبرالیسم تهی ایرانی بود که در گرداب مردمی سال ۵۷ محکوم به بازگشت به موطنش شد. ولی داستان همین جابه‌پایان نرسید. پس از دوران جنگ تحمیلی و آغاز دوران سازندگی و نیز احتیاج دولت به مشارکت‌های مردمی در سازندگی، رنگ‌وبویی از گرایش‌های نئولیبرالیسمی به مشام می‌رسید. این بار لیبرالیسم ایرانی سعی بر ایندولولوژی‌زدایی، تظاهر غرب‌شعارگرایی زد. فراموشی این جماعت از آن جایی شروع شد که اهمیت استقلال اقتصادی داخلی را فراموش کرده و گرفتار برخی اوهام سیاسی شدند. متأسفانه فراموش کرده بودند که غرب، تنها دولت ملی عصر پهلوی را ساقط کرد. غرب بیش از یک قرن بر بهترین و باکیفیت‌ترین منابع طبیعی ایران دست برد و در خلال و پس از پیروزی انقلاب اسلامی سعی بر براندازی و دخالت‌های غیردیپلماتیک می‌کرد. گل سر سبد این نقاشی، صف‌کشی جبهه لیبرال‌ها و دیگر تفرکات غربی در برابر انقلاب مردمی ایران در سال‌های سخت جنگ تحمیلی بود.

البته نباید از این حقیقت به آسانی گذشت که کاربست واژه لیبرال در ایران بیش از آنکه به‌رهور از پشتوانه فلسفی و اندیشه باشد، درگرو نیازهای آنی سیاسی یا اقتصادی کاربران این واژه بوده است. از این‌رو شاید بهتر باشد که رفتار سیاسی و نه شیوه تفکر فلسفی سیاستمداران و روشنفکران ایرانی را برای دسته‌بندی آنها به لیبرال و نالیبرال به کار ببریم. بدین‌شیوه می‌توان از امیرکبیر، امین‌الدوله یا فعالان در انجمن‌های سری دوران مشروطه و نیز حاج‌میرزا حسن رشدیه که به گسترش آموزش نوین پرداخت، یاد کرد و در دوران نزدیک‌تر از برخی دولتمردان دوره

یادداشتی بر کتاب «سرزمین عجایب» اثر استیون جانسون

چطور بازی دنیای مدرن را ساخت؟

که ظاهرا عایدی جز بطالت ندارند. نوشته جانسون، کتابی بلندپروازانه است. هدف او به این ختم نمی‌شود که فرآیند نوآوری را در ذهن‌ما واژگون‌د. در وهله اول، ما همین اشتباه‌رامی کردیم. دلمشغولی‌های پیش‌یاافتاده پس از تلاش‌های جدی ظاهر نمی‌شوند، بلکه پیش از آن می‌ایند و به‌طور تعیین‌کننده‌ای حتی شاید ناخوسته-به‌آن تلاش‌ها الهام می‌بخشد. بازی یک پیش‌درآمد است. این مساله به‌خودی‌خود بدیهی نیست؛ به این دلیل که اگر بدیهی بود، تردیددارم جانسون تا به این حد روی آن تأکید می‌کرد. او از آشکارا شدنک اندک‌اندک این واقعیت لذت می‌برد. در ابتدا، حکایت تاریخی جانسون بی‌ربط به‌نظر می‌آید. چرا جانسون دارد درباره خرس غارنشینی که ۴۳ هزار سال پیش در اسلونی کونی- منقرض شده است حرفی می‌کند؟ ولی خواننده هر جایی که نوسنده ماهر برود، دنبال‌ش راه می‌افتد؛ همان‌طور که ما دنبال جانسون می‌رویم. در شهربازی خیالی جانسون، آب سر بالا می‌رود. برای مثال می‌خوانیم در دوران قرون وسطی، فلفل آنچنان گران بوده که یک پوند از آن معادل یک پوند طلا می‌ارزیده است. نشان‌دادن ۱۲ فریم در هر ثانیه، فرق انیمیشن‌های ساده، با اجرایی زنده است که می‌تواند اشک به چشم‌تان بیاورد. همان کاری که نخستین اکران «سفیدرفی» دیزنی، در ۱۹۳۷ انجام داد. در تاریخ‌بازینی‌شده جانسون، تنها شاهد دگرگونی‌های پیوسته حوادث هستیم که شخصیت‌ها هم آن‌به‌آن تغییر می‌کنند. ماجرای الی‌وینتی و ماشین پنبه‌پاک کنی‌اش تمام می‌شود؛ داستان جیرولامو کاروانو به میان می‌آید، که یک متقلب وینیزی قرن شانزدهمی و مبدع نظریه احتمالات بود. جیمزوات و ماجرای ماشین بخارش‌رها می‌شود؛ داستان ویکتور گروئن، جامعه‌شناس اروپایی و پدر مرکزخریدهای مدرن آمریکایی، شروع می‌شود. کریستف کلمب شخصیت شناخته‌شده‌ای است؛ اما جانسون به او هم جور دیگری نگاه می‌کند. طی دومین سفر این ماجراجوی ایتالیایی به قاره آمریکا، وی و همراهانش در کشتی بومیان هیسپانیولا را دیدند که داشتند با توپ عجیب و غریبی بازی می‌کردند. آن توپ طوری حرکت می‌کرد که هیچ‌گاه پیش از آن ندیده بودند؛ آن توپ «می‌جید». جانسون می‌گوید: «کلمب و خدمه کشتی در آن زمان نفهمیدند که آن توپ چیست، اما آنها اولین اروپایی‌هایی بودند که خواص ویژه ایزوپورن

اقتصاد اسلامی چرا و چگونه؟

حسین عیوضلو در نشست روش‌های تحقیق در اقتصاد اسلامی اظهار کرد: هسته سخت نظریه‌های حاکم ادر اقتصاد اسلامی از مکتب و جهان بینی اسلام تبعیت می‌کند و مفاهیم کیفی و کاربردی آن با تبدیل معیارها و موازین اسلامی به شاخص‌های کمی و عملیاتی ساده‌سازی می‌شوند. در عین حال اقتصاد اسلامی از قوانین اثباتی که ریشه در حقایق قرآنی و تعالیم وحیانی دارند، برخوردارند. با تکیه بر این مفاهیم و حقایق، علم اقتصاد اسلامی شکل می‌گیرد. این استاد دانشگاه در بیان مراحل و طراحی نظام مالی اسلامی گفت: اصول بنیادی شامل اصول تکنونی و اصول تشریعی برگرفته از قرآن و سنت، تعیین قواعد عام و معیارهای اساسی، سیاست‌های راهبردی مناسب برای اجرای سازی اصول و قواعد، تعیین فرآیندها و ساز و کارهای اجرایی، و تعیین قواعد حقوقی و دستورالعمل‌ها و روش‌های نظارت فرآیندی از جمله این موارد است.



و دفاعیات و مستحکم است. برای هایک، بازار مثل بازی است. یک قواعد بازی داریم و یک نتایج بازی و بحث عدالت به رعایت قواعد بازی مربوط می‌شود. نتیجه بازی هر چه باشد عادلانه است؛ یعنی بحث عدالت در آن وارد نمی‌شود. حتی اگر یک بازیکن

بایک تیم شانس بیاورد و برنده شود و واقعا استحقاق آن را نداشته باشد، نمی‌توانیم بگوییم این برد غیرعادلانه است؛ بنابراین از دیدگاه لیبرال‌ها نتایج بازار، موضوع بحث عدالت نمی‌تواند باشد. عدالت در مکتوبات هایک بیشتر دستاویزی برای کسب رضایت جمعی است؛ چیزی که باعث نفوذ هرچه بیشتر پوپولیسم در لیبرالیسم شد. همچنین ذهن مادی‌گرایانه هایک در توصیف

آرمان جامعه لیبرالی باعث آن شد که برخی لیبرال‌های ایرانی خویش را به راحتی در میان حقوق، پاداش‌ها، سمت‌ها و قدرت‌های دیگری غرق کنند. چکیده عقاید این پدر معنوی لیبرال، همان ماکاولی‌بزک شده است که بیشتر متکی بر جمع‌خودی‌هاست تا جامعه‌مدنی. در آخر نیز نسخه راهگشای او ماندند تمامی لیبرال‌ها، دمیدن بر بادکنک آزادی و رقصاندن عروسک عدالت اجتماعی است.

با مرکب طبیعی رآزمایش کردند، عنصر اساسی آن چیزی که ما آن را پاک‌کن می‌نامیم. «جانسون خاطرنشان می‌کند همین توپ چپنده بود که زمینه‌ای شد برای فرآیند ولکانش که قرن‌ها بعد، چارلز گودیشر آن را تکمیل کرد. به‌رغم وسواس ما روی این مساله که این بازی و شادی است که جهان را تغییر داده، جانسون نکته‌ای را گوشزد می‌کند: «البته بازی لزوما جهان را به چیز بهتری تبدیل نمی‌کند». جانسون در کتاب سرزمین عجایب، بین حوادثی که هیچ شباهتی به هم ندارند تمایز سفت و سختی می‌گذارد؛ اما در واقعیت آن تمایزها هرگز آنقدر محکم نبوده‌اند. ادعای چیزی است چندبعدی و نامنظم و عناصرش آنچنان در هم تنیده‌اند که عملا تفکیک آنها محال است. در این پرسش که «چگونه X جهان مدرن را ساخته است؟» نیز همین عیب وجود دارد. X هیچ‌گاه به‌تنهایی عمل نمی‌کند و همواره بخشی از اکوسیستمی بزرگ‌تر است. اکوسیستمی که دانشمندان آن را نظام سازگاری پیچیده می‌دانند. نویسندگانی همچون جانسون، همواره در معرض خطر برداشتن لقمه‌های بزرگ‌تر از دهان‌شان هستند. تأکید جانسون بر اینکه

پارچه‌فروشی پرزرق‌وبرق لندن، در اوایل قرن هجدهم به انقلاب نیست. مطالعه کامل متقاعدکننده نیست. مطمئنا، آن روشگاه‌ها در انقلاب موثر بودند، اما آبروها، شرایط سیاسی، و مجموعه‌ای از شرایط متغیر نیز تأثیرگذار بودند. به عبارت دیگر، روشن نیست که آیا آن پارچه‌فروشی‌ها نقش اصلی و سرنوشت‌ساز را برعهده داشتند یا آنکه صرفا انقلاب را تقویت کردند، یا اینکه فقط نقشی در کنار دیگر نقش‌ها ایفا می‌کردند. . سرزمین عجایب به‌رغم موضوعش یا شاید هم به‌خاطر آن، کتابی جدی و خشک است. تحقیق جانسون نفسگیر و در عین حال خسته‌کننده است. یک مقدار سرزمین عجایب بیش از آنکه درباره بازی باشد به وسایل بازی و ابداعاتی می‌پردازد که زائیده بازی‌اند. مزاح بیشتر می‌توانست کمک کند تا این لقمه راحت‌تر از گلو خواننده پایین برود. سرانجام، سرزمین عجایب بیش از آنکه درباره بازی باشد به وسایل بازی و ابداعاتی می‌پردازد که زائیده بازی‌اند. نکته‌مغفول این تحقیق تبیین حقیقی این امر است که چگونه بازی جهان ایده‌هایمان را شکل داده است، مفهوم‌هایی همچون دموکراسی، اختیار، دوستی، عشق و... دلبستگی دائم و نامعقول ما به بازی کردن یکی از راه‌های بزرگ زندگی ماست. این دقیقا همان چیزی است که موضوع پیش‌روا جذاب می‌کند و سرزمین عجایب را به گنج گنجینه تبدیل می‌سازد.

